

تصحیح انتقادی ابیاتی از دیوان انوری

رحمان ذبیحی^۱

چکیده

دیوان انوری - شاعر نامدار سده ششم - از متون ارزشمند تاریخ ادبیات فارسی است که بیش از پنجاه سال پیش، یک بار به همت سعید نفیسی و بار دیگر به کوشش محمدتقی مدرس رضوی تصحیح و منتشر شده است. علی‌رغم کوشش مصححان و گام‌های بلندی که در این راه برداشته‌اند، هنوز کاستی‌های بسیاری در ضبط اشعار شاعر هست که بیشتر ناشی از نقص در قرائت نسخه‌های استفاده شده و دسترسی نداشتن به برخی نسخه‌های کهن است. در این پژوهش دوازده بیت از قصاید و قطعات انوری بر مبنای دوازده نسخه کهن تصحیح شده است که از این تعداد پنج نسخه در اختیار مصححان و دو نسخه در اختیار شارحان بوده است و از پنج نسخه برای نخستین بار در تصحیح اشعار شاعر استفاده شده است. در تصحیح ابیات علاوه بر پشتوانه نسخه‌ها، دلایل و قرائن ضبط درست بیان شده است. نتیجه پژوهش علاوه بر روشن شدن صورت درست ابیاتی از دیوان انوری و بازشناسی برخی از نوادر لغات و ترکیبات و بعضی تعبیرات و تصاویر شعر وی، از یک سو بیانگر نقش بی‌بدیل نسخه‌های کهن مغفول در تصحیح دیوان شاعر و از سوی دیگر گویای میزان سهو و کاستی در قرائت نسخه‌های استفاده شده در تصحیح دیوان است.

واژه‌های کلیدی

تصحیح متون، دیوان انوری، نسخه‌های کهن، ضبط درست ابیات

مقدمه

تصحیح انتقادی متون کهن ادب فارسی به ویژه متون طراز اول، نخستین و مهم‌ترین گام در احیای این آثار است. از جمله این متون دیوان انوری شاعر نامدار سده ششم است که گذشته از فواید تاریخی و فرهنگی و ارزش سخن شاعر در ابعاد موسیقی شعر، تخیل، عواطف و معانی و مضامین بلند، به سبب تجربه درخشان گوینده در ترکیب زبان زنده رایج مردم با زبان ادبی روزگار خویش، یکی از مهم‌ترین اسناد تاریخ زبان فارسی به حساب می‌آید. دیوان انوری پس از چاپ‌های سنگی، دو بار با رویکردهای متفاوت به چاپ رسیده اما هنوز کاستی‌های بسیاری دارد که غالباً به سبب

^۱؛ استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ایلام، ایلام، ایران r.zabih@ilam.ac.ir

غفلت مصححان از نسخه‌های کهن، نقص در قرائت دست‌نویس‌های استفاده شده و نبودن رویکرد منسجم در تصحیح متن است. مهم‌ترین مسأله پژوهش حاضر اثبات ارزش نسخه‌های کهن و معتبر در تصحیح دیوان انوری و روشن کردن میزان کاستی‌های ضبط اشعار در چاپ‌های رایج این متن از رهگذر اشاره به برخی نمونه‌هاست. برای نیل به این مقصود دوازده نسخه کهن دیوان - از اواخر سده ششم تا حدود سده نهم - بررسی و به اختصار معرفی شده است و ۱۲ بیت بر مبنای این نسخه‌ها که اغلب از دسترس مصححان دور مانده، تصحیح شده است. علاوه بر بررسی نسخه‌های کهن، دلایل و قراین دیگری نیز در اثبات صورت درست کلام شاعر بیان شده است. تصحیح این ابیات علاوه بر رفع ابهام از برخی ابیات انوری و روشن کردن برخی نوادر لغات و ترکیبات دیوان وی، گویای فاصله بسیار میان اصل کلام شاعر و صورت سخن وی در دیوان‌های چاپی است. برخی از نسخه‌های محل رجوع ما در این تحقیق در اختیار مدرس رضوی نیز بوده است؛ به ویژه نسخه کتابخانه فاتح استانبول مورخ ۷۰۹۸ هـ.ق.، نسخه اساس تصحیح ایشان بوده است اما همان گونه که در تصحیح ابیات ملاحظه می‌شود غالباً ضبط اصیل این نسخه‌ها مغفول مانده است و در موارد متعدد صورت مغشوشی از ابیات شاعر در تصحیح وی عرضه شده است.

پیشینه پژوهش

دیوان انوری یک بار در سال ۱۲۶۶ هـ.ق. در تبریز به چاپ سنگی رسیده است (نک. انوری، ۱۲۶۶: ۳۸۱). چند بار نیز در چاپخانه نولکشور لکهنو منتشر شده است که یک بار آن در سال ۱۳۰۶ م/۱۸۸۹ هـ.ق. و بار دیگر در تاریخ ۱۳۱۴ م/۱۸۹۷ هـ.ق. بوده است (انوری، ۱۸۹۷: ۷۷۰ و ۷۶۹؛ ۱۳۳۷: پنجاه و سه مقدمه مصحح). همچنین باید از دو منتخب دیوان شاعر یاد کرد؛ نخست منتخبی با ۱۹ قصیده در ۴۰ صفحه بدون تاریخ که در هندوستان منتشر شده است و دیگر منتخبات دیوان به اهتمام والتین ژوکوفسکی خاورشناس معروف با شش قصیده، چهار غزل و برخی اشعار الحاقی که در سال ۱۸۸۳ م در سن پترزبورگ به طبع رسیده است (انوری، ۱۳۳۷: پنجاه و سه مقدمه مصحح). هر چند این چاپ‌ها به عنوان نخستین گام در انتشار دیوان انوری، از عوامل دسترسی گروه وسیعی از مخاطبان به آن محسوب می‌شود اما به سبب رواج نداشتن شیوه تصحیح انتقادی متون در آن روزگار و بی‌توجهی ناشران و کاتبان به نسخه‌های کهن، کاستی‌ها، اغلاط و اشعار الحاقی فراوان در آن‌ها راه یافته است.

پس از چاپ‌های سنگی، نخستین بار سعید نفیسی با استفاده از هشت نسخه خطی، چاپ‌های سنگی هندوستان و تبریز، برخی منتخبات و شرح‌های شادی‌آبادی و فراهانی، دیوان انوری را تصحیح کرد (انوری، ۱۳۳۷: پنجاه - پنجاه و چهار مقدمه مصحح). نفیسی اعتقادی به ثبت نسخه‌بدل نداشته است: «در تهیه متن این کتاب اصولی را که در مقابله اینک بسیار رایج شده است و من به کلی ناروا می‌دانم، عمداً ترک کرده‌ام. خاورشناسان در تهیه و طبع و نشر متون فارسی عادت دارند هر نسخه بدلی را هر چند هم نادرست و سفیهانه باشد، در پای صحایف نقل کنند و بیهوده بر حجم کتاب و سرگردانی خواننده بیفزایند...؛ من در تهیه متن این کتاب به هیچ وجه رعایت نسخه‌بدل نکردم و ضبط آن‌ها را زاید و عبث دانستم» (انوری، ۱۳۳۷: پنجاه و چهار مقدمه مصحح). چاپ نفیسی ۱۴۷۲۲ بیت از جمله هجویات و هزلیات را در بر دارد (انوری، ۱۳۳۷: پنجاه و چهار مقدمه مصحح). پس از نفیسی، محمدتقی مدرس رضوی - بنا به گفته خویش - با استفاده از پنجاه نسخه خطی، مجموعه‌ها، منتخبات و چاپ‌های سنگی دیوان انوری را تصحیح و منتشر کرد (انوری، ۱۳۷۶: ۱۵۰ مقدمه مصحح). مصحح در مقدمه دیوان بیست و سه منبع از جمله نسخ خطی،

چاپ‌های سنگی و منتخبات را معرفی کرده است (انوری، ۱۳۷۶: ۱۴۹ - ۱۲۱) و درباره دیگر منابع خود گفته است: «علاوه بر نسخی که ذکری از آن‌ها رفت، از چندین نسخه خطی دیوان و جنگ‌های قدیمی که ذکر هر یک در پاورقی‌ها شده، بهره‌مند گردید که در این‌جا از یاد آن‌ها خودداری نمود» (انوری، ۱۳۷۶: ۱۴۹). او متن نسخه کتابخانه فاتح استانبول (مورخ ۷۰۸ هـ. ق.) را در آن دسته از اشعار که در اختیار داشته، اساس قرار داده است و نسخه اساس دیگر اشعار را از دیگر نسخه‌ها برگزیده است؛ «چون نظر آن بود که متن حاضر از نسخ قدیمی که اعتماد و ثقت بدان‌ها بیشتر است تهیه گردد، از این رو نسخه عکسی کتابخانه فاتح استانبول را که قدیمی‌تر و مضبوط‌تر از نسخ دیگر بود، به نشان «ل» اصل و اساس قرار داد و متن تهیه شده را با آن مقدار از قصاید و قطعات و رباعیات که در آن نسخه یافت می‌شد، مطابق کرد و اضافاتی را که در این نسخه نبود با قدیم‌تر و صحیح‌تر نسخه‌ای که آن اضافات در آن موجود بود، برابر کرد و اختلافات نسخ را که در نتیجه مقابله پیدا شد - آنچه را که مهم و لازم دید- در ذیل صفحات یادداشت نمود» (انوری، ۱۳۷۶: ۱۵۰-۱۴۹). پس از چاپ مدرس رضوی نیز برخی کوشش‌های دیگر در نشر بعضی اشعار شاعر انجام گرفته است.^۱

روش تحقیق

این پژوهش با مراجعه به دوازده نسخه دیوان انوری، مورخ اواخر سده ششم تا اوایل سده نهم، صورت گرفته است. ابتدا دست‌نویس‌ها معرفی شده است و در بخش تصحیح ابیات، نخست صورت بیت از چاپ مدرس رضوی و نفیسی نقل شده است و سپس بر مبنای نسخه‌های کهن ضبط درست و اصیل آن عرضه شده است. علاوه بر این دلایل و قراین ضبط صحیح بیت نیز بیان شده است.

معرفی نسخه‌ها

نسخه‌های استفاده شده در این پژوهش دو دسته است. دسته نخست شامل هفت نسخه است که از دسترس مصححان به دور مانده است و برای اولین بار در تصحیح دیوان از آن‌ها استفاده شده است. از میان این هفت نسخه، دو نسخه اول محل رجوع شهیدی در شرح مشکلات دیوان انوری و شفیع کدکنی در تدوین گزیده دیوان با عنوان مفلس کیمیا فروش بوده است. دسته دیگر نسخه‌هایی است که پیشتر مدرس رضوی در تصحیح دیوان از آن‌ها استفاده کرده است.

الف. دسته نخست

۱- ن: نسخه بسیار کهن شماره ۴۱۱۳ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران. این نسخه کامل نیست و از آغاز و انجام ناقص است. «نسخه‌ای کهن و بدون تاریخ که آغاز و انجام آن افتاده است و بعضی اوراق آن نیز در هم ریخته ولی بسیار ضبط‌های درست و اصیلی دارد و دارای نوعی نظم موضوعی است؛ مثلاً تمام شعرهایی که [شاعر] درباره یک شخص گفته، پشت سر هم آمده است و پیداست که از روی نسخه خود شاعر یا نسخه‌ای نزدیک بدان کتابت شده است» (شفیع کدکنی، ۱۳۷۴: ۶۹). «احتمالاً همان نسخه‌ای باشد که مرحوم استاد مینوی در اختیار استاد شهیدی قرار داده بوده است و ایشان در مقدمه شرح مشکلات دیوان انوری صفحه ۷- از آن یاد کرده‌اند» (شفیع کدکنی، ۱۳۷۴: ۳۵۵). شهیدی درباره این نسخه نوشته است: «این نسخه ناقص است و در حدود نیمی از مجموع قصیده‌ها، قطعه‌ها و بعضی

رباعی‌ها را در بر دارد. تاریخ کتابت نسخه معلوم نیست ولی شیوه تحریر نشان می‌دهد که در پایان قرن ششم یا اوایل قرن هفتم نوشته شده است» (شهیدی، ۱۳۸۲: د - ه). این نسخه کم‌نظیر از جهت اشتغال بر ضبط اصیل اشعار انوری در کمال اهمیت است.

۲- **مج:** نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی، مورخ سال ۶۸۰ به شماره ۱۳۵۰۳ به خط نسخ، ۱۷۲ برگ و هر صفحه دو ستون ۱۸ تا ۱۹ سطری. این نسخه ارزشمند و کهن از دسترس مصححان به دور بوده است. تنها شهیدی در شرح مشکلات دیوان در مواردی به آن رجوع کرده است (شهیدی، ۱۳۸۲: ه). نام کاتب از انجمنه نسخه محو است اما تاریخ کتابت آن باقی مانده است. از بین دست‌نویس‌هایی که در پژوهش حاضر بررسی شده‌اند، نسخه یاد شده یگانه منبع دارای ۶ قطعه و ۸۷ رباعی انوری است که در دیوان‌های چاپی نیامده است.^۱

۳- **چ:** نسخه کتابخانه مینوی در مجموعه دواوین به شماره ۱۰/۲۴۸ بخش ۳. اصل این نسخه که دیوان ده شاعر را در بر دارد، به شماره ۱۰۳ به کتابخانه ملی ایرلند (چستریتی) متعلق است. دیوان انوری در این مجموعه ۹۷ برگ است و هر صفحه چهار ستون ۲۹ تا ۳۱ سطری دارد. تاریخ اتمام کتابت نسخه روز دوشنبه ۲۳ ذی‌الحجه سال ۶۹۹ هـ و کاتب آن، محمد شاه بن علی بن محمود اصفهانی است. این نسخه از جهت اشتغال بر مقدمه منثور دیوان انوری اهمیت فراوانی دارد.

۴- **حک:** نسخه دیوان انوری در جنگ حکیم اغلو پاشا. میکروفیلم این مجموعه که شامل دوازده دیوان است، به شماره ۱ / ۱۷۰ ف در دانشگاه تهران موجود است. احتمالاً به سده هشتم یا نهم متعلق است. اشعار انوری در ابتدای این مجموعه از برگ ۱ تا ۱۰۰ جای گرفته است و هر صفحه مشتمل بر چهار ستون ۳۵ سطری است. این دست‌نویس از نسخه‌های خوب و قابل اطمینان دیوان انوری محسوب می‌شود.

۵- **سل:** نسخه کتابخانه سپهسالار به شماره ۲۰۹. ۳۵۹ برگ هر صفحه دو ستون ۱۹ سطری. نام کاتب معلوم نیست و ظاهراً از سده هفتم هـ است. با این‌که نسخه یاد شده یکی از کامل‌ترین و کهن‌ترین دست‌نویس‌های دیوان انوری است اما میزان غلط‌های آن نسبتاً زیاد است.

۶- **و:** نسخه کتابخانه دانشگاه تهران، به شماره ۲ / ۲۴۰ ف، مورخ ۷۵۹ هـ ق. کتابت حسین بن محمد بن محمد ابی‌القاسم مدینی. ۱۵۶ برگ، هر صفحه دو ستون ۱۹ سطری. این دست‌نویس از نسخه‌های خوب و قابل اطمینان دیوان انوری است.

۷- **ک:** نسخه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، شماره ۸۵۲۷، به خط نسخ، ظاهراً از سده هشتم و نهم. ۲۳۰ برگ، هر صفحه دو ستون ۲۱ سطری. کاتب این نسخه مشخص نیست.

ب. دسته دوم

۱- **م:** نسخه کتابخانه مینوی به شماره ۲۳۴/۳. اصل این دست‌نویس که دیوان‌های ابوالفرج رونی، ازرقی هروی، انوری، عثمان مختاری و رباعیات مجد همگر را در بر دارد، به کتابخانه موزه بریتانیا تعلق دارد. کاتب آن محمد شاه بن علی بن محمود اصفهانی است و تاریخ کتابت آن روز سه‌شنبه ششم ربیع‌الآخر سال ۶۹۲ هـ ق. است که در برگ ۱۷۱ در انتهای دیوان عثمان مختاری ثبت شده است. دیوان انوری در این مجموعه ۸۶ برگ از ورق ۳۶ تا ۱۲۲ است و هر

صفحه چهار ستون ۳۱ سطری دارد.

۲- ف: نسخه کتابخانه فاتح استانبول که فیلم آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره ۵۱ - ف نگهداری می‌شود. مورخ شوال ۷۰۸هـ. شامل ۲۱۵ برگ، هر صفحه دو ستون ۲۹ سطری، به خط محمد بن عبدالله بن محمد الحافظ. این دست‌نویس نسخه اساس تصحیح مدرس رضوی بوده است (انوری، ۱۳۷۶: ۱۵۰ - ۱۴۹ مقدمه).

۳- س: نسخه کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۱۱۸۵۱ به خط نسخ آمیخته به ثلث، ۲۱۶ برگ، هر صفحه دو ستون ۱۵ سطری است. «نسبتاً قدیمی است و تاریخ تحریر آن در حدود قرن هشتم می‌باشد» (انوری، ۱۳۷۶: ۱۲۶ مقدمه).

۴- مل: نسخه کتابخانه ملک. به شماره ۵۲۶۷ به خط نسخ کهن ظاهراً از سده هفتم. ۱۱۱ برگ، هر صفحه دو ستون ۲۰ سطری. «نسخه با این که قدیمی است بسیار مغلوط است و یکی از خوانندگان و مالکان آن، آن را با نسخه دیگری مقابله کرده است و اغلاط آن را اصلاح و در روی سطور نوشته است» (انوری، ۱۳۷۶: ۱۲۶ مقدمه).

۵- فا: نسخه کتابخانه فاتح استانبول. فیلم آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره ۵۰ - ف نگهداری می‌شود. تاریخ تحریر آن معلوم نیست اما ظاهراً به سده هفتم و هشتم تعلق دارد (انوری، ۱۳۷۶: ۱۲۶ مقدمه)، ۲۵۵ برگ، هر صفحه دو ستون ۱۹ سطری.

تصحیح ابیات

۱- گر نایزه ابر نشد پاک بریده چون هیچ عنان باز نیچند سیلان را

بیت با چاپ مدرس رضوی (انوری، ۱۳۷۶: ۱۰/۱) و نفیسی (انوری، ۱۳۳۷: ۸) تطبیق دارد. شهیدی نیز در شرح مشکلات دیوان (۱۳۸۲: ۵۵) و شفیع کدکنی در گزیده اشعار انوری همین ضبط را برگزیده‌اند (۱۳۷۴: ۱۷۳)؛ ن (برگ ۴)، م (برگ ۸۹)، ف (برگ ۴۷)، سل (برگ ۶۷)، مل (برگ ۱۷)، فا (برگ ۲۰)، و (برگ ۹۴): «تاک»؛ حک (برگ ۴): «تاک» بدون نقطه حرف اول؛ چ (برگ ۶۱)، ک (برگ ۱۷)، س (برگ ۸۰): «پاک». برخی از نسخه‌های فراهانی نیز ضبط «تاک» داشته‌اند (فراهانی، ۱۳۴۰: ۱۳). از سه نسخه‌بدل چاپ مدرس رضوی، دو مورد «تاک» و یک مورد «تا که» است که مورد آخر نیز با در نظر گرفتن خطای سمعی کاتب یا مصحح همان «تاک» است (انوری، ۱۳۷۶: ۱۰/۱).

همان گونه که ضبط نسخه‌های کهن نشان می‌دهد، «تاک» درست است و «پاک» را باید تصحیف آن دانست. از شاخه تاک بریده، قطرات آب فرو می‌چکد. قدما به این امر توجه داشته‌اند؛ مؤلف زهت‌نامه علایی در بیان شیوه دفع ملخ از تاک، به طور ضمنی از آب بسیاری که از شاخه بریده آن جاری می‌شود سخن گفته است: «آب شاخ رز به وقت بریدن بگیرند و با سیکی بیامیزند و در کوزه‌ای کنند و در میان رز بنهند. ملخ آن‌جا نشود» (شهمردان بن ابی‌الخیر، ۱۳۶۲: ۲۱۶). در کتابی که با عنوان معرفت فلاح چاپ شده، آمده است: «در بهار تاک بریدن پیش از آن که انگور بیرون آید تاک را ضعیف می‌کند به سبب آبی که آن وقت از تاک می‌چکد» (بیرجندی، ۱۳۸۷: ۵۲). به همین دلیل بهترین زمان تیمار تاک و بریدن شاخه‌های زاید آن را ماه بهمن دانسته است: «بهترین وقت تاک بریدن مابین اول دلو و اول حوت است» (بیرجندی، ۱۳۸۷: ۵۲). موضوع سخن انوری اغراق در کثرت و شدت باران است. شاعر ابتدا ابر را دارای نایزه (نی باریک کوچک، نک. دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۳۷۷) تصور کرده است که از آن قطرات پیاپی و درشت باران فرو می‌بارد و سپس این امر را به چکیدن مستمر قطرات آب از تاک بریده مانند کرده است.

۲- من ار گویم ثنا و نه تو دانی
صبا را کمترین داعی نهال است
ز نیکوگفت حالش بی‌نیاز است
کسی را کآسمان نیکوسگال است

بیت از چاپ نفیسی (انوری، ۱۳۳۷: ۵۰) و مدرس رضوی (انوری، ۱۳۷۶: ۷۶/۱) است. ن (برگ ۷۰)، م (برگ ۶۷)، حک (برگ ۱۲)، س (برگ ۱۱۷)، سل (برگ ۱۰۰)، و (برگ ۱۲۰): «خاکش»؛ ف: قصیده را ندارد؛ مل، ف، ک: بیت را ندارند. از میان نسخه‌ها تنها میج (برگ ۲۶)، چ (برگ ۹۰) «حالش» دارند.

همان گونه که ضبط اکثر نسخه‌های کهن نشان می‌دهد «خاکش» درست و «حالش» نادرست است. بیت از قصیده‌ای در مدح کمال‌الدین خال^۳ است. منظور از خاک خود شاعر است که در مقابل آسمان که دارای والاترین رتبه است، در پایین‌ترین مرتبه قرار دارد. انوری خطاب به ممدوح می‌گوید: در ظاهر چه تو را مدح بگویم، چه نگویم همگان واقفند که هواخواه و وابسته تو هستم. همان گونه که بالیدن نهال در گرو باد صبا است و وجودش کمترین نشانه بر لطف و جان‌بخشی صبا. تو آنی که آسمان بلندمرتبه نیک‌اندیش توست؛ پس نیاز به ثنا و دعای چون منی که به مثابه خاک است نداری. اشاره به پستی خاک و خود را خاک نامیدن در متون دیگر نیز نمونه دارد:

خاقانی است خاک درت حافظش تو باش
زین مشت آتشی که ندارند رای خاک
(خاقانی، ۱۳۷۸: ۲۳۹)

۳- دوش از درم در آمد سرمست و بی‌قرار
با زلف تابدار دل‌آویز پر شکن
گفت از کجاست پرسم و خود کی رسیده‌ای؟
گفتم که حالم از غم تو بس تباه بود
همچون مه دو هفته و هر هفت کرده یار
با چشم نیم‌خواب جهان‌سوز پر خمار...
چونی به ماندگی و چگونه است حال و کار؟
لیکن کنون ز شادی روی تو چون نگار

ضبط بیت مطابق ضبط مدرس رضوی است (انوری، ۱۳۷۶: ۱۵۹/۱). در چاپ نفیسی نیز چنین است ولی به جای حالم، «جانم» آورده است (انوری، ۱۳۳۷: ۱۳۱). در مصراع اول: ن (برگ ۳۵)، میج (برگ ۴۰)، م (برگ ۸۰)، چ (برگ ۶۸)، ف (برگ ۲۱)، حک (برگ ۲۷)، مل (برگ ۷۷)، و (برگ ۱۳۷)، ف (برگ ۱۱۶)، ک (برگ ۱۰۶): «تاکنون تباه»؛ سل (برگ ۳۰)، س (برگ ۲۲): «بس تباه بود». در مصراع دوم: ن، میج، م، چ، ف، حک، مل، ف، ک: «لیکن کنون ز شادی تو کار چون نگار»؛ س: مطابق چاپ‌ها.

ابیات از مقدمه قصیده‌ای در مدح ضیاء‌الدین مودود احمد عصمی^۴ است. شاعر در خلال این ابیات از ورود یار و گفت‌وگوی خود با او سخن گفته است. در بیت سوم یار از «حال و کار» شاعر می‌پرسد و شاعر در مصراع اول بیت چهارم، «حال» خود را تا لحظه دیدار به سبب فراق تباه می‌داند و در مصراع دوم «کار» خود را از دولت ورود یار چون نگار ذکر می‌کند. ضبط «بس تباه بود» در دیوان‌های چاپی علاوه بر این که بخشی از موسیقی بیت را - که حاصل تکرار «کنون» در دو مصراع است - نابود می‌کند، سبب اختلال در مضمون بیت هم می‌شود؛ گزینش تعبیر «تاکنون» بسیار دقیق است و شاعر با استفاده از آن بر اهمیت دیدار معشوق و نقش آن در دگرگون شدن حال خویش تأکید کرده است. پشتوانه اکثر قریب به اتفاق نسخه‌های کهن، زداپنده هر تردیدی در صورت درست عبارت است. در مصراع دوم نیز ضبط اکثر نسخه‌ها درست و ضبط دیوان‌های چاپی نادرست است زیرا عبارت حال یا جان کسی چون نگار بودن بسیار بعید است. صورت درست عبارت، «کار چون نگار بودن» است در مفهوم «سامان درست داشتن و آراسته بودن کار» که از تعابیر رایج شعر فارسی است. انوری خود جایی دیگر گفته است:

مجموع این حساب همین هر دو حرف راست چون در سه ضرب شد شود این کار چون نگار
(انوری، ۱۳۷۶: ۲/۶۵۰)

سنایی در مقطع غزلی گفته است:

ور همی خواهی که گردد کار تو همچون نگار چون سنایی خویشان در عشق او بر کار دار
(سنایی، ۱۳۸۵: ۸۸۰)

۴ - دبیری بود ازو برتر به فکرت چو فکرت بی‌نیاز از کلک و دفتر

مصراع اول ضبط مدرس رضوی است (انوری، ۱۳۷۶: ۱/۲۲۳). نفیسی هم با اندکی اختلاف آورده است: دبیری بود
زو برتر ز فکرت (انوری، ۱۳۳۷: ۱۰۸). ن (برگ ۷۱)، مج (برگ ۳۹)، م (برگ ۶۳)، ف (برگ ۲۴)، حک (برگ ۲۰)،
مل (برگ ۳۰)، فا (برگ ۵۵)، و (برگ ۱۰۸)، ک (۴۴): «از او بر تیزفکرت»؛ مج (برگ ۳۹): «دبیری بودش از بر
تیزفکرت»؛ س (برگ ۲۸): «ازو برتر به فکرت»؛ چ: بیت را ندارد.

مرجع ضمیر او عطارد - دبیرِ فلک - است. بیت از مقدمه قصیده‌ای است که شاعر در آن به ترتیب اجرام فلکی را
توصیف کرده، از ماه به عطارد رسیده است. از میان نسخه‌های مورد استفاده ما، تنها یک نسخه مؤید ضبط دیوان‌های
چاپی است. معنی بیت در چاپ مدرس رضوی و نفیسی این است که عطارد از نظر فکرت برتر از ماه است، در حالی
که مقصود شاعر چنین نیست؛ بی‌گمان «دبیری بود ازو بر، تیز فکرت» ضبط درست است. «بر از چیزی یا از چیزی بر
بودن» در معنی «بالتر بودن» در همین قصیده در توصیف مشتری - که در نجوم کهن بالاتر از آفتاب است - و زحل - که
بالاتر از مشتری است - دو بار به کار رفته است: بر از وی خواجه چونان مُمکن (انوری، ۱۳۷۶: ۲۲۴)، و زو بر پیر دیگر
بود هندو (انوری، ۱۳۷۶: ۲۲۴). شاعر می‌گوید بالاتر از ماه دبیری تیزفکرت یعنی عطارد قرار داشت که همانند فکرت
از ابزار ظاهری کتابت چون کلک و دفتر بی‌نیاز بود. عطارد در نجوم کهن بر دبیری و صاحب‌دیوانی دلالت دارد
(ابوریحان بیرونی، ۱۳۸۶: ۳۸۷). همچنین بر «قسمت‌ها و مساحت‌ها و شمار و نجوم و کاهنی و هر چیزی که بدو پیشی
دانند و هندسه چیزها و علم آسمانی و زمینی و فلسفه دانستن و مناظره و آموزیدن و شعر و بلاغت» دلالت دارد
(ابوریحان بیرونی، ۱۳۸۶: ۳۹۲). انوری صفت تیزفکرت را جایی دیگر نیز به کار برده است:

خاطری چون آتشم هست و زبانی همچو آب فکرتی تیز و ذکایی رام و طبعی بی‌خلل
(انوری، ۱۳۷۶: ۲/۶۷۴)

۵ - نقد سخنت چو رایج افتاد در داد و ستان آفرینش
صراف سخن که نفس کلی است بر طرف دکان آفرینش
پرسید ز عقل کل که آن چیست گفتم همدان آفرینش

ضبط مصراع دوم بیت آخر با چاپ مدرس رضوی (انوری، ۱۳۷۶: ۱/۲۶۷) و نفیسی (انوری، ۱۳۳۷: ۱۷۴) مطابق
است؛ ن (برگ ۹۰)، مج (برگ ۲۳)، م (برگ ۶۸)، چ (برگ ۹۳)، ف (برگ ۷۸)، حک (برگ ۲۹)، مل (برگ ۹۳)، فا (برگ ۸۶)،
و (برگ ۸۷)، ک (برگ ۱۲۲): «تو مدان»؛ س: قصیده را ندارد؛ سل (برگ ۷۲): «تو بدان».

تعبیر «تو مدان» دو بار در اسرارالتوحید به کار رفته است؛ یک بار در حالی که شیخ همه دارایی خود تا کفش و دستار
را می‌فروشد و خرج درویشان می‌کند؛ در این حال «پدر روزی ما را بدید سر برهنه و پای برهنه و تن برهنه. او را
طاقت برسید. گفت ای پسر آخر این را چه گویند؟ گفتیم این را تو مدان میهنگی گویند» (محمد بن منور، ۱۳۸۹:

۳۲/۱). بار دیگر وقتی که مشغول دفن کتاب‌ها و نوشته‌ها در خاک است: «پدر شیخ بیامد و گفت ای پسر آخر این چیست که تو می‌کنی؟ شیخ گفت یاد داری آن روزگار که ما در دوکان تو آمدیم و سؤال کردیم که در این خریطه‌ها چیست و در این انبان‌ها چه در کرده‌ای؟ تو گفتی تو مدان بلخی؟ گفت دارم. شیخ گفت این تو مدان میهنگی است» (محمد بن منور، ۱۳۸۹: ۴۳). همان گونه که مصحح کتاب در تعلیقات گفته است: «تو مدان کلمه‌ای ساخته شده از تو و مدان (نهی از دانستن) است» (محمد بن منور، ۱۳۸۹: ۴۹۱/۲ و ۴۸۲). از هر دو شاهد به خوبی برمی‌آید که در پاسخ گوینده نوعی طنز در بیان فراتر بودن مطلب از دایره ادراک و تجارب سؤال‌کننده وجود دارد. «تو مدان» یک بار در حدیقه هم آمده است و مصحح آن را در نسخه بدل نقل کرده، در متن «تو بدان!» آورده است:

چه کنی جست و جوی چون جان تو تو مدان نوش کن چو ایمان تو

(سنایی، ۱۳۷۷: ۱۱۴)

صورت درست بیت سنایی را شفیع کدکنی به مناسبت بحث در باب ادراک بی‌چگونه هنر یادآور شده است (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۲: ۶۹). بیت انوری از قصیده‌ای در مدح قطب‌الدین ابوالمظفر العبادی^۵، عالم و واعظ نامدار سده ششم است. چون نقد سخن ممدوح در هستی رواج می‌یابد، نفس کل که ناقد و صراف سخن است، از عقل کل در باب ماهیت سخن ممدوح سؤال می‌کند و عقل کل با پاسخی طنزآمیز به او می‌فهماند که این امر از مقوله «تو مدان» و بسی فراتر از تجربه و درک او است.

۶ - به پنجم اندر ز ایشان زمام‌کش ترکی که گاه کینه بیندد زمانه را گردن

بیت با ضبط مدرس رضوی (انوری، ۱۳۷۶: ۳۶۹/۱) و نفیسی (انوری، ۱۳۳۷: ۲۳۲) مطابقت دارد؛ ن (برگ ۸۹)، م (برگ ۵۱)، حک (برگ ۴۰)، و (برگ ۱۲۷): «زمانه کین ترکی»؛ میج (برگ ۷۵): «مقام پنجم از ایشان یکی عدوبندی»، شهیدی در شرح مشکلات همین ضبط را در متن آورده است و در حاشیه به ضبط نسخه ن اشاره کرده است (شهیدی، ۱۳۸۲: ۴۶۲)؛ چ (برگ ۸۹): «به پنجم اندر از ایشان یکی ترکی»؛ ف (برگ ۷۲)، ک (برگ ۴۳)، مل (برگ ۲۹)، فا (برگ ۵۲): «زمام کش ترکی»؛ س، سل: قصیده را ندارند؛

تعبیر «زمانه کین ترکی» (ترکی که همانند زمانه کینه‌ور است)، کنایه از مریخ در فلک پنجم است که بر تهور، ناباکی، دلیری، لجاجت، کینه‌توزی و قتل دلالت دارد. (ابوریحان بیرونی، ۱۳۸۶: ۳۸۵ و ۳۸۳) و خداوند عاصیان و جنگجویان است (ابوریحان بیرونی، ۱۳۸۶: ۳۸۷). شاعر می‌گوید در منزل پنجم فلک ترکی است در کینه‌جویی و لجاجت و خون‌ریزی همانند روزگار و زمانه. جنگاوری که گاه کینه‌توزی گردن روزگار را که مثل اعرف و اجلائی کینه‌وری است، می‌بندد و او را به تسلیم وا می‌دارد.

۷- دختران روزگارند این حوادث و این بتر کو چو زاید دختری، دخترش زاید دختری

ضبط بیت مطابق چاپ مدرس رضوی (انوری، ۱۳۷۶: ۴۶۶/۱) و نفیسی (انوری، ۱۳۳۷: ۳۰۶) است. میج، مل: قصیده را ندارند؛ م (برگ ۵۷)، چ (برگ ۶۲)، ف (برگ ۳۶)، حک (برگ ۴۵)، س (برگ ۴۶)، سل (برگ ۵۳)، فا (برگ ۲۷)، ک (برگ ۳۳): مطابق دیوان‌های چاپی؛ نسخه بسیار کهن ن (برگ ۸): «کاین دگر نازاده شد زاده است دیگر دختری»؛ و (برگ ۱۱۷): «کاین یکی نازاده و آن یک زاده باشد دختری»، که تا حدودی مؤید ضبط نسخه ن است.

ضبط دیوان‌های چاپی و اغلب نسخه‌ها، معنی ساده شده صورت اصیل مصراع است. حوادث بی‌شمار روزگار چون تولد دختر، اندوه و رنج بی‌پایان در پی دارند و طرفه این‌که از هر حادثه در حالی که خود هنوز کاملاً زاده نشده،

حادثه‌ای دیگر پدید می‌آید. ضبط نسخه ن: «کین دگر نازاده شد، زاده است دیگر دختری»، به بهترین وجه گویای این امر است. در باب نهاد فعل دوم در این ضبط دو فرض قابل پذیرش است؛ نخست این که روزگار در مصراع اول را نهاد فرض کنیم که مسبب حوادث پیاپی و ناگوار است. دوم این که ضمیر «این» در ابتدای مصراع نهاد باشد. در این فرض این در اشاره به دختر زاده شده اول، خود هنوز کاملاً متولد نشده، دختری دیگر به دنیا می‌آورد. نسخه‌های دیگر به سبب بی‌توجهی به این نکته، ضبط اصیل مصراع را به «کو چو زاید دختری، دخترش زاید دختری» ساده کرده‌اند که این ضبط بخش عظیمی از قوت کلام شاعر را از بین می‌برد؛ یعنی روشن نیست وقتی دختر حادثه متولد شد، خود کی و چه زمانی دختری (حادثه‌ای) دیگر می‌زاید. در حالی که ضبط مختار ما به بهترین وجه گویای استمرار زنجیره بلافصل حوادث است.

۸ - چنان عالی نهاد آمد ز رفعت پایه قدرش که گردونی است بیرون از نهم گردون خضرای

ضبط بیت مطابق چاپ مدرس رضوی (انوری، ۱۳۷۶: ۵۰۰/۱) است. در چاپ نفیسی: ره‌آور کرده عالم را ز رفعت پایه قدرش (انوری، ۱۳۳۷: ۳۲۵). ن (برگ ۸۷): «دهم کرده است عالم را ز رفعت پایه قدرش»؛ ف (برگ ۱۳۰): «در او کرده است عالم را ز رفعت پایه قدرش»؛ م (برگ ۵۷): مطابق چاپ نفیسی. م (برگ ۸۱)، چ (برگ ۹۲)، ف (برگ ۴)، سل (برگ ۲): مطابق چاپ مدرس رضوی؛ حک، مل، و، ک: بیت را ندارند؛ س: قصیده را ندارد. ضبط درست را نسخه بسیار کهن ن حفظ کرده است. نسخه ف نیز با فرض گشتگی «دهم» به «در او» مؤید این ضبط است و حتی ضبط بی‌معنی «ره‌آور کرده عالم را» در نسخه مجلس و چاپ نفیسی، می‌تواند گشته «دهم کرده است عالم را» باشد. قدما افلاک را گاه هشت و گاه نه فلک دانسته‌اند؛ ابوریحان بیرونی به هشت فلک معتقد است: «فلک‌ها هشت گوی‌اند یک بر دیگر پیچیده همچون پیچیدن توی‌های پیاز و خردترین فلک‌ها آن است که به ما نزدیکتر است و ماه اندر او همی رود... و کره دوم که زبر وی همی گردد، آن عطارد است و سوم، آن زهره است و چهارم، آن آفتاب است و پنجم، آن مریخ و ششم، آن مشتری و هفتم، آن زحل. این گوی‌های هفت ستاره رونده‌اند و زبر این همه گویی است ستارگان بیابانی را که ثابت خوانند ایشان را یعنی ایستاده» (ابوریحان بیرونی، ۱۳۸۶: ۵۶). او سپس متذکر شده است که برخی به فلک نهم نیز معتقدند «گروهی زبر فلک هشتم، فلکی دیدند نهم آرمیده بی حرکت» (ابوریحان بیرونی، ۱۳۸۶: ۵۷) البته او اطلاق نام فلک را بر آن، به دلیل حرکت نداشتن آن درست ندانسته است. در برخی منابع به وجود افلاک نه‌گانه تصریح شده است. (ر.ک. دنیسری، ۱۳۵۰: ۴۹-۴۷؛ ماهیار، ۱۳۸۲: ۱۵). انوری خطاب به ممدوح می‌گوید: تو فراتر از آسمان‌های نه‌گانه هستی و وجود تو عالمی است و رای افلاک؛ پس رفعت قدر تو عالمی بر عوالم نه‌گانه افزوده، عدد آن را به ده رسانده است؛ عالمی که چون ورای جهان کون و فساد است، لا بد جاودانه و برکنار و بیرون از نابودی است.

۹- الا تا گاه در کاهش بود گاهی در افزایش ذراع روز و شب همواره در تاریخ پیمایی از آن کاهش نصیب دشمنش جان کاستن بادا و ز آن افزایش او را تا قیامت زینت افزایی

ابیات از چاپ مدرس رضوی (انوری، ۱۳۷۶: ۵۰۲/۱) و نفیسی (انوری، ۱۳۳۷: ۳۲۶) است؛ ن (برگ ۸۸)، م (برگ ۵۷)، م (برگ ۸۱)، چ (برگ ۹۲)، ف (برگ ۴)، حک (برگ ۴۸)، مل (برگ ۸۰)، ک (برگ ۱۰۹)، و (برگ ۷۹): «رتبت افزایی»؛ سل (برگ ۲)، ف (برگ ۱۳۰): «زینت افزایی»؛ س: قصیده را ندارد.

انوری از گردش روزگار و افزون و کم شدن متوالی روز و شب در فصول سال، برای دشمن کاستن جان و مرگ و برای ممدوح، بقا و بالا رفتن رتبه و پایگاه آرزو کرده است.

۱۰- در احسان بگو که بگشاید
 بوالحسن را چو تخته‌بند کنند
 ما در آنیم تا قضا و قدر
 زهر آن فتنه باز قد کنند
 که به مویی فلک بیاویزد
 گر به مویی بر او گزند کنند

ضبط مصراع مشخص شده مطابق چاپ مدرس رضوی است (انوری، ۱۳۷۶: ۱۳۷/۲). نفیسی: کی به موی فلک بیاویزد؟ (انوری، ۱۳۳۷: ۳۹۱)، (علامت سؤال از نفیسی است). ن (برگ ۵۶): «از کرم نیز کس نبیند موی»؛ م (برگ ۹۰)، چ (برگ ۱۱۹)، ف (برگ ۱۰۴)، حک (برگ ۵۷): «کز کرم نیز کس نبیند روی»؛ مج (برگ ۱۰۰)، مل (برگ ۱۶۹)، و (برگ ۱۷۵): «که به مویی فلک بیاویزند»؛ ک (برگ ۱۹۴): «که به مویی فلک بیاویزد»؛ فا (برگ ۱۸۸): «گر به مویی فلک بیاویزد»؛ سل (برگ ۱۹۰): «که به مویی فلک درآویزد»؛ س: قطعه را ندارد؛ ضبط شش نسخه آخر کمابیش نزدیک به هم است. ضبط درست مصراع تنها در نسخه بسیار کهن ن آمده است که ضبط چهار نسخه کهن دیگر با فرض گشتگی «موی» به «روی» مؤید آن است. محور مضمون‌پردازی در دو مصراع واژه موی است؛ شاعر گفته است اگر سر مویی گزند به ممدوح رسد، کرم و بخشش از هستی رخت بر می‌بندد به گونه‌ای که هیچ کس از کرم حتی سر مویی نخواهد دید. بیت از قطعه‌ای در بیان حبس ابوالحسن علی بن محمد العمرانی است که بنا به گفته سمعانی که او را ملاقات کرده، از خاندان بزرگی به همین نام از مردم سرخس بوده است. او از نزدیکان سلطان سنجر بود که کارش در دربار بالا گرفت اما در نهایت در سال ۵۴۵ هـ. ق. نظر سلطان بر او تغییر یافت و او را زندانی کرد و سرانجام در قریه «شیخ» یا «سنج» از قرای مرو به امر سنجر کشته شد (سمعانی، ۱۴۰۰: ۵۳/۹ و حاشیه همان صفحه). او از ممدوحان مهم انوری است و شاعر اشعار زیادی در مدح و بیان واقعه حبس و رثای او سروده است. (رک. انوری، ۱۳۷۶: ۵۲۹، ۳۵۹، ۳۷۲، ۳۴۷ و...).

۱۱- کیشکی داری اگر بخشی به من
 خویشتن در پیش تو قربان کنم

ضبط بیت مطابق چاپ مدرس رضوی (انوری، ۱۳۷۶: ۶۹۳) و نفیسی (انوری، ۱۳۳۷: ۴۳۴) است. ن (برگ ۱۳۱)، مج (برگ ۱۵۶)، م (برگ ۱۰۰)، چ (برگ ۱۲۲)، ف (برگ ۱۴۹)، حک (برگ ۶۸)، فا (برگ ۱۸۰)، س (برگ ۲۱۷)، و (برگ ۱۴۴): «کیشکی»؛ سل (برگ ۱۲۸)، مل (برگ ۱۶۰): «کیشکی»، ک (برگ ۱۸۶): «کیشکی». همان گونه که ضبط نه نسخه نشان می‌دهد «کیشک» درست است. کیشک مصغر کیش به معنی تیردان با قربان در معنی غیر مقصود شاعر، یعنی کمان‌دان، ایهام تناسب دارد. عنوان قطعه در برخی نسخه‌ها چنین است: ن: در التماس کیشکی گوید؛ چ: و له فی اقتراح الکیش؛ ف: التماس خلال‌دان؛ دیگر نسخه‌ها نیز دارای عناوینی چون و له و ایضاً له است. در نفیسی نیز عنوان چنین است: از فخرالدین التماس خلال کند. جالب است که در چاپ مدرس رضوی عنوان قطعه به این صورت آمده است: التماس کفش کند! لابد با این تصور که کیشک مصغر کیش (=کفش) است. شاید در بیت انوری کیشک (کیش کوچک) به معنی خلال‌دان باشد؛ آنچه این حدس را تقویت می‌کند، این که شاعر ممدوح را تهدید کرده است که اگر کیشک (خلال‌دان) را به او نبخشد، او می‌تواند به جای خلالی که از آن بر دارد، از چوبکی استفاده کند اما باید منتظر هجو شاعر باشد:

... کیشکی داری اگر بخشی به من
 شکرهای آن کنم و آن‌گاه چه
 خویشتن در پیش تو قربان کنم
 تا به کی تا کائناً من کان کنم
 سهل باشد برکشم فرمان کنم
 و برفرمایی که دندان بر کشم

بر میانم گر معد نبود خلال	چوبکی یابم که در دندان کنم
لیک از این پس در میان دوستانت	بس مساوی کز برای آن کنم...
۱۲- دوستان و دشمنانت در دو مجلس می کنند	هر دو سنگ انداز و سنگ اندازه آن تا به کی
دشمنانت تا به روز حشر سنگ انداز عیش	دوستانت تا به روز عید سنگ انداز می

عبارت مشخص شده با چاپ مدرس رضوی (انوری، ۱۳۷۶: ۷۴۵/۲) و نفیسی (انوری، ۱۳۳۷: ۴۵۸) تطبیق دارد. شهیدی در شرح لغات و مشکلات دیوان انوری همین ضبط را آورده است (شهیدی، ۱۳۸۲: ۵۶۴). ن (برگ ۲۹)، مج (برگ ۱۰۸)، چ (برگ ۱۰۳)، مل (برگ ۱۳۲)، فا (برگ ۱۶۰): «هر دو سنگ انداز سنگ انداز چه وان تا به کی»؛ ف (برگ ۱۵۸)، حک (برگ ۷۱): «هر دو سنگ انداز و سنگ انداز چه وان تا به کی»؛ سل (برگ ۲۶۲): «هر دو سنگ انداز می وان تا به کی»؛ م، س: قطعه را ندارد. و: بیت را ندارد. ضبط دو نسخه ف، حک همان ضبط پنج نسخه اول است با این تفاوت که در میان دو سنگ انداز، «واو» افزوده اند که سبب روان تر شدن کلام می شود. دو بیت موقوف المعانی هستند و شاعر در دعای تأیید ممدوح می گوید: دوستان و دشمنان تو در دو مجلس مشغول سنگ انداز باشند و آن گاه می پرسد: چه را سنگ انداز کنند و تا چه زمانی؟ در بیت دوم به طریق ایضاح بعد از ابهام پاسخ می دهد: دشمنانت تا به قیامت مشغول تباہ کردن و سنگ زدن به عیش و بخت خویش و دوستانت پیوسته در شادخواری و جشن کلوخ اندازان؛ سنگ انداز یا کلوخ انداز عبارت بوده است از سیر و تماشا و عشرت و می خواری در پایان ماه شعبان: «و امیر به نشاط ... کلوخ انداز که ماه رمضان نزدیک بود، بدین کوشک و بدین باغها تماشا می کرد و شراب می بود» (بیهقی، ۱۳۸۸: ۴۹۸/۱). این جشن بازتاب وسیعی در شعر فارسی یافته است. (ر.ک. خاقانی، ۱۳۸۷: ۱۱)؛ (سنایی، ۱۳۸۵: ۵۹۲)؛ برای شواهد متعدد: (ر.ک. دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل سنگ انداز و کلوخ انداز). انوری خود در مقطع قصیده ای کوتاه - که در چاپ مدرس رضوی جزو غزلیات آمده است (انوری، ۱۳۷۶: ۸۶۰) - خطاب به ممدوح گفته است:

ای ز جاهت شب ستم در سنگ خرمست باد روز سنگ انداز

نتیجه

پس از چاپ های سنگی، دیوان انوری در دوره معاصر یک بار به همت سعید نفیسی و بار دیگر به کوشش محمد تقی مدرس رضوی تصحیح و منتشر شده است. با وجود جایگاه ارزشمند هر یک از این دو پژوهش و نیاز مصححان آینده به آنها و نقش هر یک در فراهم آوردن زمینه تحقیق در زندگی و شعر انوری، کاستی های هر دو چاپ کم نیست. دلایل عمده این امر عبارتند از دسترسی نداشتن به برخی از کهن ترین و بهترین نسخه های خطی دیوان شاعر و سهو و کم دقتی در قرائت نسخه های استفاده شده و نداشتن رویکردی متقن در استفاده از نسخه ها؛ از دوازده نسخه استفاده شده در این پژوهش، پنج نسخه کهن و متقن از دید مصححان و شارحان پیشین به دور بوده است. در موارد بسیار نیز ضبط ابیات در نسخه های مورد استفاده مصححان با آنچه در چاپ ها آمده است، تفاوت دارد که این امر می تواند حاصل سهو، بدخوانی یا تکیه بر ضبط یک نسخه و غفلت از دیگر نسخه های مبنای تصحیح باشد. از خلال پژوهش حاضر میزان تحریف و تصحیف در ضبط اصیل لغات و ترکیبات، نحو سخن، اعلام، معانی و مضامین و تصاویر شعر انوری در ابیاتی که به عنوان نمونه تصحیح شده است، به خوبی آشکار می شود؛ به عنوان مثال نوادر لغاتی چون «تو مدان» به «همه دان» تبدیل شده یا «کیشک» به صورت «کبشک» قرائت شده است. همچنین تصاویری چون تشبیه بارش باران به چکیدن آب از تاک بریده، با غلط خوانی یک واژه نابود شده است. بسیاری از کاستی ها نتیجه کم دقتی در پشتوانه

فرهنگی اشعار شاعر و غفلت از دانسته‌های نجومی او است. همچنین نداشتن دقت کافی در سبک سخن انوری که شامل ترکیب زبان رایج زمانه با سنت ادبی روزگار است، از عوامل گزینش ضبط‌های نادرست است.

پی‌نوشت‌ها

۱- از دیگر کوشش‌ها در تصحیح اشعار انوری باید به نشر ۱۵۹ رباعی نویافته از او به همت علی میرافضلی، در ضمن اثری ارزشمند با عنوان *جُنگ رباعی*، اشاره کرد. مصحح با دقتی ستودنی به جستجوی رباعیات شاعر از چهار نسخه کهن و منابع دیگر پرداخته است (میرافضلی، ۱۳۹۴: ۱۷۱ به بعد).

۲ - محسن شریفی صبحی و مهدخت پورخالقی چترودی، در مقاله‌ای با عنوان «اشعار نویافته از انوری در نسخه‌ای کهن» ۲ غزل، ۵ قطعه و ۸۴ رباعی این نسخه را منتشر کرده‌اند (شریفی صبحی و چترودی، ۱۳۹۱: ۳۸ - ۲۵).

۳ - کمال‌الدین ابوالقاسم محمود بن ابوبکر خال، حاکم جند و از دانشمندان و فاضلان روزگار و ممدوح شاعرانی چون رشید و طواط و انوری است. بنا بر گزارش جوینی در تاریخ جهانگشا، اتسز در سال ۵۴۷ همراهی وی در فتح سقناق را خواستار شد اما او از بیم اتسز گریخت و اتسز با فرستادن بزرگان و معاریف و عهد و امان وی را به نزد خود فراخواند و چون او را به چنگ آورد، به بند کشید تا عاقبت در بند جان داد. (نک. عطاملک جوینی، ۱۳۷۸: ۱۱/۲ و ۱۰؛ انوری، ۱۳۷۶: ۶۱ مقدمه).

۴ - ابوالمعالی ضیاءالدین مودود بن احمد عصمی از بزرگان دولت سنجر بوده است و سلطان سنجر در حکمی نیابت دیوان وزارت و اداره دیوان طغری را به وی واگذار کرده است. متن این فرمان در عتبه‌الکتابه بر جای مانده است «رای ما (سنجر) بر فضایل و مآثر اکفی الکفات اجل عالم ضیاءالدوله و الدین مؤیدالاسلام و المسلمین ادام الله تأییده و قوف یافته است... دیوان طغری و نیابت دیوان وزارت به وی تفویض فرموده شد» (منتجب‌الدین بدیع، ۱۳۸۴: ۴۹). او از جمله کسانی است که از نبرد قطوان جان سالم به در برده، پس از آن از سوی سنجر امارت هرات یافته است. ضیاءالدین ممدوح شاعرانی چون عبدالواسع جبلی و انوری بوده است. انوری در مدح او ده قصیده دارد (انوری، ۱۳۷۶: ۱/ ۵۸-۵۶ مقدمه).

۵ - قطب‌الدین ابوالمظفر منصور بن اردشیر العبّادی از واعظان چیره‌دست تاریخ اسلام در سال ۴۹۱ در قریه سنج عباد از قرای مرو زاده شد. یک بار از جانب سنجر به بغداد رفت و المقتفی لأمرالله او را نواخت و به سفارت نزد سلاطین فرستاد. در ربیع‌الآخر ۵۴۷ پس از توفیق در آشتی میان ملک‌شاه بن محمود بن محمد و بدرالحویزی در خوزستان درگذشت. جسدش را به بغداد بردند و در مقبره جنید در شونیزیه دفن کردند. (ر.ک. قطب‌الدین عبّادی، ۱۳۶۳: ده - بیست). از آثار او می‌توان به *التصفیه فی الاحوال المتصوفه* و *مناقب‌الصوفیه* اشاره کرد. او ممدوح برخی شاعران از جمله عمادی شهریار و قوامی رازی بوده است (قطب‌الدین عبّادی، ۱۳۶۳: بیست و چهارده). عبّادی با این‌که از علمای معروف روزگار بوده، در زندگی و سلوک تسامح داشته است و حتی گاه منهیات را توجیه کرده است (قطب‌الدین عبّادی، ۱۳۶۳: بیست و دو و بیست و سه). شاید این ویژگی از عوامل جلب توجه انوری به وی بوده باشد. انوری همین قصیده را در مدح وی دارد و یوسفی در نگارش زندگی عبّادی در مقدمه *التصفیه فی الاحوال المتصوفه* از این قصیده یاد نکرده است. (ر.ک. شفیعی کدکنی، ۱۳۷۴: ۵۱).

منابع

- ۱- ابوریحان بیرونی. (۱۳۸۶). *التفهیم لأوائل صناعه التّنجیم*. تصحیح جلال‌الدین همایی. تهران: هما.
- ۲- انوری، اوحدالدین محمد بن علی. (قرن ۶ یا ۷ هـ. ق.). *دیوان*. نسخه خطی کهن شماره ۴۱۱۳ دانشگاه تهران.
- ۳ - ----- . (۶۸۰ هـ. ق.). *دیوان*. نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی شماره ۱۳۵۰۳.
- ۴ - ----- . (۶۹۲ هـ. ق.). *دیوان*. نسخه خطی کتابخانه مینوی در مجموعه شماره ۳ / ۲۳۴. کتابت

- محمد شاه بن علی بن محمود اصفهانی.
- ۵- ----- (۶۹۹ هـ. ق.). دیوان. نسخه خطی کتابخانه مینوی در مجموعه شماره ۱۰ / ۲۴۸. کتابت محمد شاه بن علی بن محمود اصفهانی.
- ۶- ----- (۷۰۸ هـ. ق.). دیوان. فیلم نسخه خطی کتابخانه فاتح استانبول شماره ۵۱ - ف کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران. کتابت محمد بن عبدالله بن محمد بن الحافظ.
- ۷- ----- (قرن ۷ هـ. ق.). دیوان. نسخه خطی شماره ۲۰۹ کتابخانه سپهسالار.
- ۸- ----- (قرن ۸ تا ۹ هـ. ق.). دیوان. فیلم نسخه خطی در جنگ حکیم اغلو پاشا، شماره ۱ / ۱۷۰ ف دانشگاه تهران.
- ۹- ----- (قرن ۷ هـ. ق.). دیوان. نسخه خطی شماره ۵۲۶۷ کتابخانه ملک.
- ۱۰- ----- (قرن ۷ تا ۸ هـ. ق.). دیوان. فیلم نسخه خطی کتابخانه فاتح استانبول، شماره ۵۰ - ف کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.
- ۱۱- ----- (۷۵۹ هـ. ق.). دیوان. فیلم نسخه خطی کتابخانه دانشگاه تهران، شماره ۲ / ۲۴۰. کتابت حسین بن محمد بن محمد ابی القاسم مدینی.
- ۱۲- ----- (قرن ۸ و ۹ هـ. ق.). دیوان. نسخه خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، شماره ۸۵۲۷.
- ۱۳- ----- (قرن ۸ هـ. ق.). دیوان. نسخه خطی کتابخانه آستان قدس رضوی، شماره ۱۱۸۵۱.
- ۱۴- ----- (۱۳۳۷). دیوان. تصحیح سعید نفیسی. تهران: مؤسسه مطبوعاتی پیروز.
- ۱۵- ----- (۱۳۷۶). دیوان. تصحیح محمدتقی مدرس رضوی. تهران: علمی و فرهنگی.
- ۱۶- ----- (۱۸۹۷ م.). دیوان. نولکشور لکهنو. چاپ سنگی.
- ۱۷- ----- (۱۲۶۶ هـ. ق.). دیوان. تبریز: چاپ سنگی.
- ۱۸- بیرجندی، عبدالعلی. (۱۳۸۷). معرفت فلاح. به کوشش ایرج افشار. تهران: میراث مکتوب.
- ۱۹- بیهقی، ابوالفضل محمد بن حسین. (۱۳۸۸). تاریخ بیهقی. تصحیح محمد جعفر یاحقی و مهدی سیدی. تهران: سخن.
- ۲۰- خاقانی، افضل‌الدین بدیل. (۱۳۷۸). دیوان. تصحیح ضیاء‌الدین سجادی. تهران: زوار.
- ۲۱- دنیسری، شمس‌الدین محمد. (۱۳۵۰). نوادرالتبادر لتحفه البهادر. به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه و ایرج افشار. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ۲۲- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). لغت‌نامه. تهران: دانشگاه تهران.
- ۲۳- سمعانی، ابی‌سعد عبدالکریم. (۱۴۰۰ ق.). الانساب. حَقَّقْ نصوصه و علق علیہ الشیخ عبدالرحمن بن یحیی المعلمی الیمانی. قاهره: مکتبه ابن تیمیہ.
- ۲۴- سنایی، مجدود بن آدم. (۱۳۷۷). حدیقه‌الحقیقه و شریعه‌الطریقه. تصحیح محمدتقی مدرس رضوی. تهران: دانشگاه تهران.
- ۲۵- ----- (۱۳۸۵). دیوان. تصحیح محمدتقی مدرس رضوی. تهران: دانشگاه تهران.

- ۲۶ - شریفی صحی، محسن و پورخالقی چترودی، مهدخت. (۱۳۹۱). اشعار نویافته از انوری در نسخه‌ای کهن. جستارهای ادبی، شماره ۱۷۹: ص.ص. ۴۳-۱۹.
- ۲۷ - شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۹۲). زبان شعر در نثر صوفیه. تهران: سخن.
- ۲۸ - ----- . (۱۳۷۴). مفلس کیمیافروش. تهران: سخن.
- ۲۹ - شهردان بن ابی‌الخیر. (۱۳۶۲). نزهت‌نامه علایی. تصحیح فرهنگ جهانپور. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ۳۰ - شهیدی، سید جعفر. (۱۳۸۲). شرح لغات و مشکلات دیوان انوری. تهران: علمی و فرهنگی.
- ۳۱ - عطاملک جوینی. (۱۳۷۸). تاریخ جهانگشا. تصحیح محمد قزوینی. تهران: دنیای کتاب.
- ۳۲ - فراهانی، ابوالحسن. (۱۳۴۰). شرح مشکلات دیوان انوری. تصحیح محمدتقی مدرس رضوی. تهران: دانشگاه تهران.
- ۳۳ - قطب‌الدین عبّادی. (۱۳۶۸). التصفیة فی احوال المتصوفه. تصحیح غلامحسین یوسفی. تهران: علمی.
- ۳۴ - ماهیار، عباس. (۱۳۸۲). ثری تا ثریا. کرج: جام گل.
- ۳۵ - محمد بن منور. (۱۳۸۹). اسرارالتوحید فی مقامات شیخ ابی‌سعید. تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی. تهران: آگاه.
- ۳۶ - منتجب‌الدین بدیع، علی بن احمد. (۱۳۸۴). عتبه‌الکتبه. تصحیح محمد قزوینی و عباس اقبال آشتیانی. تهران: اساطیر.
- ۳۷ - میرافضلی، علی. (۱۳۹۴). جُنگ رباعی. تهران: سخن.